

چگونه می‌توانیم میزان فعالیت‌های اقتصادی را در سطح یک جامعه اندازه‌گیری کنیم؟

در هر جامعه‌ای سالانه مقادیر زیادی کالا و خدمت تولید و مصرف می‌شود. میزان تولید کالا و خدمات در هر جامعه، به نوعی نشان دهنده‌ی قدرت اقتصادی و مادی آن جامعه و نیز سطح زندگی مردم آن است؛ زیرا تولید بیش‌تر به معنی درآمد و مصرف بیش‌تر و در نتیجه، رفاه بیش‌تر است. دولت‌ها سعی می‌کنند با به‌کارگیری سیاست‌های گوناگون، تولید کالاها و خدمات را در جامعه افزایش دهند. پس افزایش مقدار تولید کالا و خدمات در جامعه، از علائم موفقیت دولت در عرصه‌ی اقتصاد است.

حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد؛ مثلاً، میزان تولید کالا و خدمات را در جامعه محاسبه می‌کند. این بررسی و اندازه‌گیری، تصویری روشن از اقتصاد ارائه می‌دهد. موارد مورد بررسی در حسابداری ملی عبارت‌اند از: سطح زندگی و درآمد مردم، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و نیز تغییرات ایجاد شده در هر کدام از آن‌ها به واسطه‌ی اجرای بعضی سیاست‌های اقتصادی دولت. بدین ترتیب، به کمک حسابداری ملی می‌توان تأثیر به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی مختلف را بر سطح زندگی مردم و رشد اقتصادی جامعه سنجید. به همین دلیل، می‌توان گفت حسابداری ملی اهمیت بسیاری دارد.

تولید ملی و اندازه‌گیری آن

یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که حسابداری ملی به

مطالعه‌ی آن می‌پردازد، میزان کل تولید کالا و خدمات در جامعه یا «تولید کل» است. این که جامعه‌ای در طول یک سال چه مقدار کالا و خدمات تولید می‌کند اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نشان‌دهنده‌ی قدرت و توان اقتصادی آن جامعه، سطح رفاه و درآمد اعضای آن، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نهایت، امکان پیشرفت آن جامعه در آینده است.

از دیدگاه حسابداری ملی فعالیت تولیدی عبارت است از فعالیتی که به تهیه‌ی کالا و خدمات موردنیاز مردم بپردازد یا ارزش کالاها و خدماتی را که از قبل تهیه شده است، افزایش دهد.

برای مثال، تولید محصولات کشاورزی اعم از غلات، صیفی‌جات، سبزیجات و ... فعالیت تولیدی محسوب می‌شوند. هم‌چنین، از نظر حسابداری ملی حمل این کالاها به بازار و سپس عرضه‌ی این محصولات به خرده‌فروشی‌ها (مغازه‌ها)، تولید محسوب می‌شود؛ زیرا مردم به این خدمت نیاز دارند و اگر انجام نشود، هر مصرف‌کننده باید کالای موردنظر خود را با زحمت زیاد از مراکز عمده‌فروشی تهیه کند. علاوه بر این، فعالیت مؤسساتی که به عرضه‌ی میوه و سبزیجات بسته‌بندی شده می‌پردازند نیز فعالیت تولیدی محسوب می‌شود. درست است که آن‌ها کالایی تولید نمی‌کنند اما با فعالیت خود (پاک کردن سبزیجات به طریق بهداشتی، بسته‌بندی و ...) بر ارزش کالاهایی که دیگران تولید کرده‌اند، می‌افزایند.

بدین ترتیب - برخلاف مفهوم مصطلح تولید - در این تعریف فعالیت‌های خدماتی نیز با عنوان «تولید» شناخته می‌شوند؛ زیرا این فعالیت‌ها بخشی از نیاز مردم را تأمین می‌کند و مردم حاضرند برای دریافت این خدمات پول بپردازند. پس همان‌گونه که تولید محصولات کشاورزی در مزرعه یک فعالیت تولیدی است، حمل آن به مراکز مصرف و عرضه‌ی آن در سطح جامعه هم کار تولیدی به حساب می‌آید.

با این حال، در حسابداری ملی فقط آن دسته از فعالیت‌های تولیدی (اعم از تولید کالا یا خدمات) در محاسبه و سنجش منظور می‌شوند که دارای چهار شرط زیر باشند:

۱- از بازار عبور کنند؛ یعنی تولیدکننده آن‌ها را در مقابل دریافت پول به مصرف‌کننده تحویل دهد. پس اگر فردی برای تعمیر لوازم خانگی خود به تعمیرکار پول بپردازد، یک فعالیت تولیدی صورت گرفته است و ارزش آن محاسبه می‌شود اما اگر خودش آن‌ها را تعمیر کند، محاسبه‌ای انجام نمی‌گیرد.

۲- فعالیت‌هایی که به تولید کالا یا خدمات «نهایی» منتهی شوند؛ به عبارت دیگر، کالاهایی را که تولیدکنندگان تولید و به بازار عرضه می‌کنند یا مصرف‌کنندگان می‌خرند و به مصرف می‌رسانند یا سایر تولیدکنندگان آن‌ها را خریداری می‌کنند و برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند. کالاهای گروه اول را «کالاهای نهایی» و کالاهای گروه دوم را «کالاهای واسطه‌ای» می‌نامند. از آن‌جا که ارزش کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی است، پس در محاسبه‌ی تولید کل جامعه باید از محاسبه‌ی ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف نظر کرده و فقط کالاهای نهایی را محاسبه کنیم؛ در غیر این صورت، ارزش کالاهای واسطه‌ای در واقع دوبار محاسبه شده است؛ یک بار به صورت بخشی از ارزش کالاهای نهایی و یک بار هم به صورت مستقل.



«تولید اشکال مختلف دارد اما در حسابداری ملی همه‌ی این اشکال با یک ترازو و یک معیار سنجیده می‌شوند: پول»

۳- تولید در محدوده‌ی مکانی معینی صورت گیرد؛ به این معنا که اگر مثلاً هدف، محاسبه‌ی «تولید داخلی» باشد باید کلیه‌ی خدمات و کالاهای تولید شده در داخل کشور در طول یک سال - چه تولید مردم خود آن کشور و چه تولید خارجی‌های مقیم آن کشور - محاسبه شود. بر این اساس، تولید آن گروه از مردم کشور که در خارج اقامت دارند، محاسبه نمی‌شود اما اگر منظور محاسبه‌ی «تولید ملی» باشد، باید ارزش همه‌ی خدمات و کالاهایی را که مردم یک کشور در طول یک سال - چه در داخل کشور و چه خارج از کشور - تولید کرده‌اند، محاسبه شود. بدیهی است در این‌جا تولید خارجی‌های مقیم کشور محاسبه نمی‌شود. به عبارت دیگر، تولید ملی دربرگیرنده‌ی همه‌ی فعالیت‌های تولیدی‌ای است که توسط یک ملت در یک سال انجام می‌گیرد؛ خواه در کشور خودشان ساکن باشند یا در خارج از کشور. در حالی که تولید داخلی دربرگیرنده‌ی همه‌ی فعالیت‌های تولیدی است که در داخل یک کشور - یعنی در محدوده‌ی مرزهای جغرافیایی آن کشور - انجام می‌گیرد؛ خواه توسط مردم همان کشور باشد و خواه توسط خارجیانی که در آن کشور مقیم‌اند.

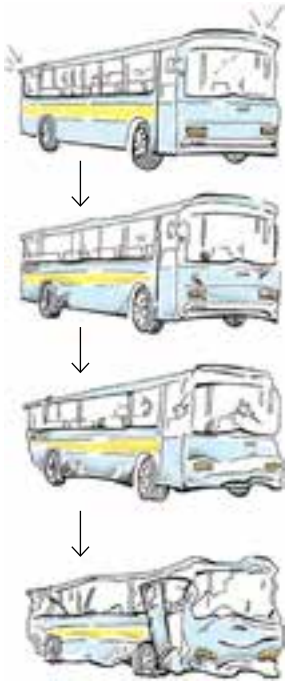
۴- قانونی و مجاز باشد؛ فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی نظیر قاچاق و مانند آن جزء تولید کشور محاسبه نمی‌شود؛ زیرا، از یک سو از این فعالیت‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست و از سوی دیگر، محاسبه‌ی آن‌ها نوعی مشروعیت دادن به آن‌ها تلقی می‌شود.

فعالیت ۱-۶

در منطقه‌ی شما چه نوع فعالیت‌هایی انجام می‌گیرد که در حسابداری ملی محاسبه نمی‌شود؟ علل این امر را به بحث بگذارید.

مفهوم استهلاك

بخشی از سرمایه‌های یک کشور از قبیل ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، راه‌ها و نظایر آن که در فعالیت‌های تولیدی به کار گرفته می‌شوند، به مرور زمان فرسوده می‌گردند و از بین می‌روند. بنابراین، باید منابع و امکاناتی را صرف جبران



این فرسایش، یعنی تعمیر یا جای‌گزینی آن‌ها کنیم؛ به بیان دیگر، از کل تولید جامعه در طول یک سال باید قسمتی را به هزینه‌های جای‌گزینی سرمایه‌های فرسوده شده اختصاص دهیم. بدین ترتیب، اگر کل تولید جامعه را بدون توجه به مقدار هزینه‌های جای‌گزینی محاسبه کنیم، آن را «تولید ناخالص» می‌نامیم اما اگر هزینه‌های استهلاك را کنار بگذاریم و بقیه‌ی تولیدات را محاسبه کنیم، آن را «تولید خالص» می‌نامیم. پس فرق تولید خالص و ناخالص این است که برای محاسبه‌ی تولید خالص، هزینه‌های استهلاك (قسمتی از تولید جامعه که صرف جای‌گزینی سرمایه‌های فرسوده می‌شود) در نظر گرفته نمی‌شود اما در تولید ناخالص، این هزینه نیز محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر:

تولید خالص ملی = هزینه‌ی استهلاك - تولید ناخالص ملی

تولید ناخالص ملی

تولید ناخالص ملی که به اختصار «G.N.P.»^۱ نامیده می‌شود، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی جامعه است که میزان آن قدرت اقتصادی و درجه‌ی پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن را نشان می‌دهد. این شاخص مهم را بدین صورت تعریف می‌کنیم:

«تولید ناخالص ملی عبارت است از ارزش پولی کلیه‌ی کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده‌اند.»
بدیهی است اگر از این رقم، مقدار استهلاک را کنار بگذاریم، به تولید خالص ملی می‌رسیم.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی شاخص مهم دیگری است که وضعیت اقتصادی جامعه را نشان می‌دهد. این شاخص را که به اختصار «G.D.P.»^۲ نامیده می‌شود، به این صورت تعریف می‌کنیم:

«تولید ناخالص داخلی عبارت است از ارزش پولی کلیه‌ی کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال در محدوده‌ی مرزهای جغرافیایی یک کشور تولید می‌شود.»
همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دو شاخص تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی، در تعریف با هم تفاوت دارند اما در عمل، معمولاً مقدار این دو شاخص به هم نزدیک است. برای انجام تحلیل‌های مختلف اقتصادی از وضعیت کشورها، از یکی از این دو شاخص استفاده می‌شود.

۱- Gross National Product

۲- Gross Domestic Product

فعالیت ۷-۱

در کشوری کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است. با توجه به رقم این تولیدات، تولید ناخالص داخلی این کشور را محاسبه کنید.

مواد غذایی	۴۰ تن از قرار هر تن ۲۰۰,۰۰۰ ریال
ماشین آلات	۳۵۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال
پوشاک	۵۰۰۰ عدد از قرار هر عدد ۲۰,۰۰۰ ریال
خدمات ارائه شده	۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

درآمد ملی

شاخص دیگری که در بررسی و تحلیل شرایط اقتصادی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد و اهمیت خاصی دارد، «درآمد ملی» است. این شاخص نیز مانند تولید خالص ملی و تولید خالص داخلی نشان‌دهنده‌ی میزان توانایی و قدرت اقتصادی هر جامعه و سطح زندگی و رفاه اعضای آن است.

درآمد ملی دربرگیرنده‌ی اقلام مختلف درآمد است که در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود. این درآمدها عبارت‌اند از: درآمد حقوق‌بگیران، دستمزدها، درآمد صاحبان سرمایه (سودی که به سرمایه تعلق می‌گیرد)، درآمد صاحبان املاک و مستغلات (اجاره)، درآمد صاحبان مشاغل آزاد و سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسه‌ها می‌شود.

هر یک از شاخص‌های مطرح شده در بالا را می‌توان با تقسیم کردن بر جمعیت به صورت سرانه مطرح کرد؛ برای مثال، با تقسیم درآمد ملی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می‌آید. با توجه به تفاوت چشم‌گیر جمعیت کشورهای مختلف، محاسبه‌ی شاخص‌ها به صورت سرانه – که عبارت از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است – می‌تواند معیار بهتری برای مقایسه‌ی سطح زندگی و رفاه افراد جوامع مختلف باشد.

محاسبه‌ی تولید کل جامعه

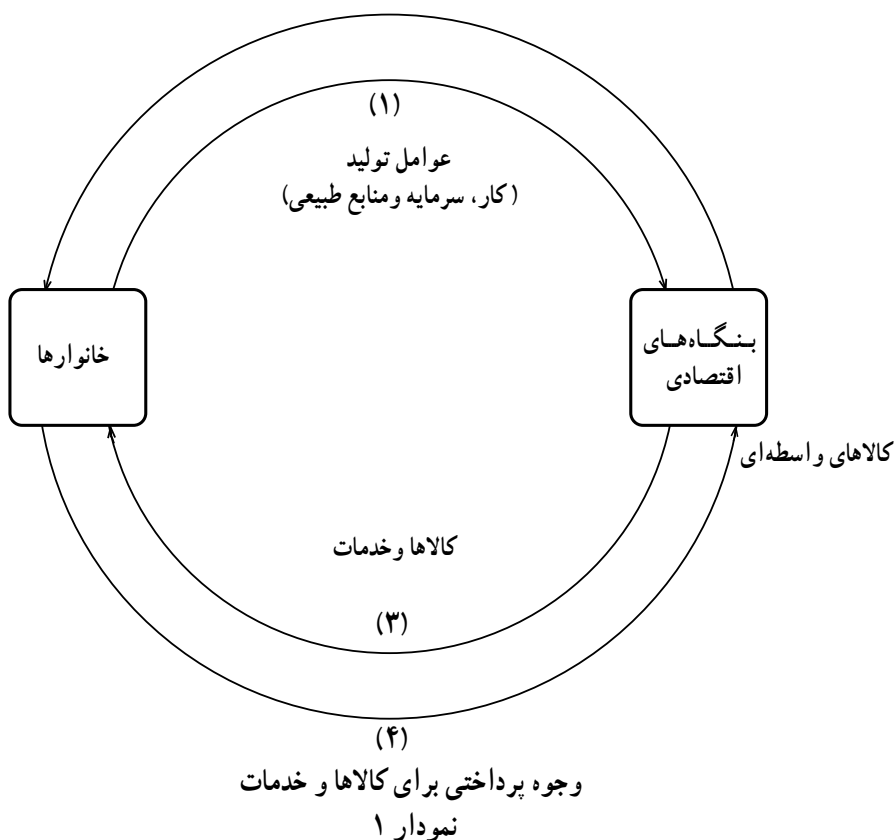
تولید کل جامعه را با روش‌های گوناگون می‌توان محاسبه کرد. برای بررسی و مقایسه‌ی این روش‌های مختلف، ابتدا تصویری ساده از

اقتصاد جامعه ارائه می‌کنیم.

این تصویر شامل دو عضو است: نخست، خانوارها که مصرف‌کننده‌ی کالاهای مختلف و درعین حال، مالک عوامل تولیدند^۱ و دوم، بنگاه‌های اقتصادی که وظیفه‌ی تولید و عرضه‌ی کالاها و خدمات را به‌عهده دارند. به بیان دیگر، بنگاه‌های اقتصادی تحت عنوان اشخاص حقوقی، عوامل تولید را از خانوارها – که اشخاص حقیقی هستند – خریداری می‌کنند و در مقابل، مبلغی تحت عنوان مزد، سود و اجاره به صاحبان این عوامل تولید می‌پردازند. البته باید توجه داشت که قسمتی از محصولات بنگاه‌های اقتصادی را بنگاه‌های دیگر خریداری می‌کنند و به‌صورت کالاهای واسطه‌ای به مصرف می‌رسانند. در نمودار ۱، همین تصویر ساده از اقتصاد نشان داده شده است.

وجوه پرداختی به عوامل تولید (مزد، سود و اجاره)

(۲)



۱- درباره‌ی اصطلاح «عوامل تولید» در بخش دوم کتاب، تحت عنوان «تولید» بحث خواهیم کرد.

در نمودار ۱، چهار مسیر نشان داده شده است؛ مسیر اول، جریان عوامل تولید را از سوی خانوارها به بنگاه‌های اقتصادی نشان می‌دهد. همان‌طور که قبلاً گفته شد، خانوارها مالک عوامل تولید هستند و بنگاه‌های اقتصادی این عوامل را از آن‌ها خریداری می‌کنند و طی فعالیت‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند.

مسیر دوم، جریان پولی است که از سوی بنگاه‌های اقتصادی به سوی خانوارها روان است.

بنگاه‌های اقتصادی، سهم عوامل تولید را متناسب با قیمت آن‌ها به صورت مزد، سود و اجاره به خانوارها می‌پردازند. این مسیر، درآمد خانوارها را نشان می‌دهد.

مسیر سوم، جریان کالاها و خدمات از سوی بنگاه‌های اقتصادی به خانوارهاست. بنگاه‌های اقتصادی کالا و خدمات مورد نیاز خانوارها را تهیه و به آن‌ها عرضه می‌کنند.

مسیر چهارم، جریان پولی است که از طرف خانوارها به سوی بنگاه‌های اقتصادی روان است. خانوارها کالاها و خدمات مصرفی خود را از بنگاه‌های اقتصادی تهیه می‌کنند و در مقابل آن، پولی را متناسب با قیمت کالاها و خدمات به بنگاه‌ها می‌پردازند.

با این حال، همین تصویر ساده می‌تواند به ما در درک مسائل اقتصادی کمک کند؛ برای مثال، با دیدن نمودار متوجه می‌شویم که با سه روش زیر می‌توان ارزش کل تولیدات جامعه را محاسبه کرد:

۱- در روش اول، کل پولی که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان پیدا می‌کند، محاسبه می‌شود (مسیر شماره ۴).

این مقدار پول، نشان‌دهنده‌ی ارزش کل کالاها و خدماتی است که خانوارها خریداری و مصرف کرده‌اند؛ زیرا در مقابل خرید این کالاها و خدمات از بنگاه‌ها، مبالغی به آن‌ها پرداخت شده است. بنابراین، اگر هزینه‌های مصرفی تمام خانوارها را با هم جمع کنیم، تولید کل جامعه به دست می‌آید (البته در قالب همان نمودار ساده‌ای که مطرح کرده‌ایم). این روش محاسبه‌ی تولید کل، «روش هزینه‌ای» نام دارد.

۲- در روش دوم، کل پولی که از طرف بنگاه‌ها به سمت خانوارها جریان می‌یابد (مسیر شماره ۲)، محاسبه می‌شود. این مقدار، نشان‌دهنده‌ی ارزش پولی کلیه‌ی عوامل تولیدی است که در جریان تولید به کار گرفته می‌شوند. به بیان دقیق‌تر، هم‌زمان با فعالیت‌های تولیدی در سطح جامعه، مقداری درآمد ایجاد می‌شود که معادل ارزش پولی کالاها و

خدمات تولید شده است.

این درآمد، بین صاحبان عوامل تولید - که در جریان تولید نقش دارند - تقسیم می‌شود. پس حاصل جمع درآمد تمامی خانوارها در سطح جامعه (مزد، اجاره و سود) نشان‌دهنده‌ی کل درآمدی است که بر اثر فعالیت تولیدی جامعه ایجاد شده است. هم‌چنین، این درآمد حاصل جمع معادل ارزش پولی کالاها و خدمات تولید شده در جامعه است. این روش در محاسبه‌ی تولید کل «روش درآمدی» نام دارد.

۳- علاوه بر دو روش یاد شده، روش سومی نیز برای محاسبه‌ی تولید کل جامعه وجود دارد که «روش تولید» یا «روش ارزش افزوده» نامیده می‌شود. برای توضیح این روش، بهتر است ابتدا مفهوم ارزش افزوده را توضیح دهیم.

معمولاً خدمات و کالاهایی که در نهایت، خانوارها از آن استفاده می‌کنند، مراحل مختلفی را طی می‌کند؛ مثلاً، برای تولید پوشاک این مراحل طی می‌شود: تولید پنبه، تولید نخ از پنبه، تولید پارچه از نخ و در نهایت، تولید پوشاک از پارچه. می‌توان گفت که در هر مرحله، بر ارزش محصول اولیه افزوده شده و محصول تحویل مرحله‌ی بعدی می‌شود و این کار، تا مرحله‌ی نهایی ادامه می‌یابد.

با توجه به مثال بالا، ارزش تولید شده در هر یک از مراحل مزبور را این گونه بیان می‌کنیم: کشاورزان هر کیلوگرم پنبه‌ی تولیدی خود را به ارزش ۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل می‌کنند و آن را به ارزش ۱۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. کارگاه‌های پارچه‌بافی نیز نخ را به پارچه تبدیل می‌کنند و آن را به مبلغ ۳۰۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک می‌فروشند. در این کارگاه‌ها پارچه به پوشاک تبدیل می‌شود و سرانجام به مبلغ ۵۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هر تولیدکننده مقداری بر ارزش محصول اولیه می‌افزاید و آن را به مرحله‌ی بعد منتقل می‌کند. در مراحل یاد شده، به ترتیب ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۱۵۰۰ و ۲۰۰۰ ریال بر ارزش محصول افزوده شده است؛ برای مثال، ارزش افزوده‌ی کارگاه تولید پوشاک ۲۰۰۰ ریال است؛ زیرا معادل ۳۰۰۰ ریال پارچه را به ۵۰۰۰ ریال پوشاک تبدیل کرده است.

حال برای محاسبه‌ی ارزش کل تولید کالاها و خدمات نهایی، می‌توان ارزش افزوده‌ها

را با هم جمع کرد. در مثال ذکر شده، این حاصل جمع برابر با ۵۰۰۰ ریال است. نکته‌ی جالب توجه این است که رقم ۵۰۰۰ ریال برابر با ارزش پوشاک تولید شده است؛ یعنی، چه ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی (پوشاک) را محاسبه کنیم و چه مقدار ارزش افزوده در هر مرحله از تولید را محاسبه و با هم جمع کنیم، به جوابی واحد می‌رسیم. به این ترتیب، ارزش تولید کلّ جامعه عبارت از مجموع ارزش افزوده‌ی بخش‌های مختلف اقتصاد است. در واقع، اگر تولید کلّ جامعه را از طریق هر یک از سه روش یاد شده محاسبه کنیم، به جواب‌های یکسانی می‌رسیم. از این رو، برای جلوگیری از اشتباه، حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

آخرین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که چون در عمل، عوامل و روابط اقتصادی بسیار پیچیده‌اند، پس محاسبه‌ی شاخص‌های تولید کل در یک جامعه نیز پیچیدگی خاصی دارد که در این جا امکان بررسی تفصیلی و دقیق آن وجود ندارد.

مفهوم محاسبه به قیمت جاری و قیمت ثابت

با توجه به مطالبی که گفته شد،

شاخص‌های نشان‌دهنده‌ی تولید کلّ جامعه - اعم از تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی و ... - برحسب واحد پول ملی سنجیده می‌شوند؛ زیرا نمی‌توان مثلاً دو تن سیب، بیست تن گندم و ۱۰۰۰ جلد کتاب را با هم جمع کرد اما می‌توان ارزش آن‌ها را برحسب پول محاسبه و حاصل جمع آن‌ها را معلوم کرد. بدین ترتیب، می‌توان میزان تولید جامعه را در سال‌های مختلفی با هم مقایسه کرد، مثلاً، ممکن است میزان تولید کل در طی سه سال متوالی به ترتیب ۱۰۰۰، ۱۱۰۰ و ۱۲۵۰ هزار میلیارد ریال باشد.

با توجه به ارقام یاد شده آیا تولید کلّ این کشور در طول سه سال گذشته افزایش یافته است؟ پاسخ این است که هر چند این ارقام ظاهراً افزایش را نشان می‌دهند اما نمی‌توان آن را حتماً به حساب افزایش تولید کلّ کشور گذاشت. ارقام محاسبه شده برای هر سال، در اصل حاصل ضرب مقدار کالاهای تولید شده در قیمت هر واحد از آن کالاهاست.

پس افزایش از ۱۰۰۰ ریال به ۱۱۰۰ ریال ممکن است به دلیل افزایش مقدار تولید یا افزایش قیمت هر واحد کالا یا هر دو آن‌ها باشد. به عبارت دیگر، اگر جامعه دچار تورم باشد، مقدار تولید کلّ محاسبه شده هر سال رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد؛ در حالی که

این رقم بزرگ، به معنی افزایش تولید نیست.

برای رفع این مشکل، می‌توان سال معینی را به‌عنوان «سال پایه» انتخاب کرد و ارزش تولیدات هر سال را برحسب قیمت کالاها و خدمات در سال پایه (نه سال جاری) محاسبه نمود. بدین ترتیب، اثر تغییرات قیمت در محاسبه‌ی تولید کل از بین می‌رود و تغییرات موجود فقط نشان‌دهنده‌ی تغییر میزان تولید کالاها و خدمات خواهد بود.

در مثال مطرح شده در بالا، اگر سال اول را سال پایه در نظر بگیریم، ممکن است مقدار تولید جامعه در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال اول، به ترتیب ۱۰۰۰، ۱۰۷۰ و ۱۱۴۰ ریال باشد. در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که از ۱۰۰ ریال افزایش تولید کل در سال دوم (نسبت به سال اول) براساس محاسبه‌ی سابق، ۷۰ ریال آن ناشی از افزایش مقدار تولید و ۳۰ ریال آن ناشی از افزایش قیمت‌هاست.

بر این اساس، تولید کل در سال دوم به قیمت جاری برابر با ۱۱۰۰ ریال و به قیمت ثابت (با در نظر گرفتن سال اول به‌عنوان سال پایه)، برابر با ۱۰۷۰ ریال است؛ بنابراین، برای ارزیابی وضعیت اقتصادی کشور با محاسبه‌ی تولید کل به قیمت ثابت، آمار و اطلاعات مطمئن‌تری به دست می‌آید.

پرسش

- ۱- دلیل اهمیت مطالعه‌ی حسابداری ملی را بیان کنید.
- ۲- فعالیت تولیدی چیست؟
- ۳- چرا در اندازه‌گیری تولید کلّ جامعه، ارزش کالاهای واسطه‌ای محاسبه نمی‌شود؟
- ۴- برای محاسبه‌ی فعالیت‌های تولیدی در حسابداری ملی چه شرایطی لازم است؟
- ۵- چرا هر ساله باید درصدی از تولیدات جامعه را بابت استهلاک کالاهای سرمایه‌ای کنار گذاشت؟
- ۶- کدام یک از دو شاخص درآمد ملی و درآمد سرانه در مقایسه‌ی بین جوامع نقش و اهمیت بیش‌تری دارد؟ به چه دلیل؟
- ۷- برای محاسبه‌ی ارزش کلّ تولیدات جامعه چه روش‌هایی وجود دارد؟ نام ببرید.
- ۸- آیا برای محاسبه‌ی ارزش کلّ تولیدات جامعه استفاده از یک روش کافی است؟ چرا؟
- ۹- روش ارزش افزوده را در محاسبه‌ی ارزش کلّ تولیدات جامعه شرح دهید.
- ۱۰- برای جلوگیری از اشتباه ناشی از افزایش قیمت در محاسبه‌ی تولید کلّ جامعه، چه باید کرد؟